

بیزشله گولردیک

سیو مشرجه شعر تری

جلد اول

بسم الله الرحمن الرحيم

به کوشش سیاح سیاحین

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُهُ

بیزبئله گولردیک

سیر طنز در شعر ترکی

جلد اول

درآمدی بر سیر تحول و تطور طنز در زبان ترکی آذربایجانی

به کوشش صالح سجادی



دفتر طنز حوزه هنری



بیز پتله گولردیک

سیر طنز در شعر ترکی جلد اول
درآمدی بر سیر تحول و تطور طنز در زبان ترکی آذربایجانی

به کوشش صالح سجادی

ویراستار فارسی: محمود حبیبی کسبی
ویراستار ترکی: مرتضی سلمانی، سعید موغانلی
ناظر کیفی ویرایش: حسن اوموداوغلو

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: سپهر

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۸۹۷-۳

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۸۹۳-۵

سرشناسه: سجادی، صالح، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور: بیز پتله گولردیک: سیر طنز در شعر ترکی /

به کوشش صالح سجادی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.

شابک: ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۸۹۷-۳

دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۸۹۳-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

مطبعات: درآمدی بر سیر تحول و تطور طنز در زبان ترکی آذربایجانی

عنوان دیگر: سیر طنز در شعر ترکی.

موضوع: شعر ترکی آذربایجانی -- ایران -- قرن ۱۴

موضوع: شعر طنزآمیز ترکی -- ایران

موضوع: شاعران ایرانی -- آذربایجان -- سرگزشتنامه

شماره افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۴ ب ۹۱۳۹۴/PL۳۱۲۲

رده بندی دیویی: ۸۹۲/۳۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۴۴-۶۷

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشته پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش (پنج خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست مطالب

طنز چیست؟ ۰۹

- ۱۰..... تعریف اصطلاح
- ۱۱..... ماهیت طنز
- ۱۱..... شیوه‌های طنز
- ۱۲..... طنز و کمدی
- ۱۳..... انواع طنز
- ۱۳..... طنز مستقیم
- ۱۴..... طنز غیر مستقیم
- ۱۵..... طنز موقعیت
- ۱۶..... طنز در ادبیات فارسی
- ۱۷..... طنز در ادبیات ترکی آذربایجانی

ادبیات شفاهی ۱۹

- ۲۰..... ضرب‌المثل‌های اجتماعی
- ۲۱..... ضرب‌المثل‌های طبقهٔ مظلوم

۲۲.....	ضرب المثل‌های طبقهٔ حاکم
۲۳.....	ضرب المثل‌های اخلاقی
۲۳.....	ضرب المثل‌های خانوادگی
۲۴.....	ضرب المثل‌های تلمیحی و تاریخی
۲۴.....	تیپ‌ها و شخصیت‌های طنز
۲۴.....	ملانصرالدین
۲۷.....	۲،۲. کچل‌ها
۲۸.....	۲،۳. فقرا
۲۸.....	۲،۴. ریاکاران
۲۸.....	تمثیل‌ها
۲۸.....	بایاتی‌ها
۲۹.....	لطیفه‌ها
۲۹.....	آتماجاها
۲۹.....	بازی‌های طنز
۲۹.....	ب) ادبیات عاشیق‌ها
۳۲.....	طنز در شعر عاشیقی

۳۷ ادبیات مکتوب

۴۸	طنزپردازان بزرگ آذربایجان
۵۰.....	الف) ترکان پارسی‌گوی
۷۰.....	مست و هوشیار
۷۵.....	نمونه‌ای از اشعار طنز
۷۷.....	ب) شاعران دولسانین

- شکایت‌نامه (اولین اثر مکتوب طنز ترکی)..... ۷۹
- ج) شاعران ترکی نویس ۹۳
- نمونه اشعار میرزا علی اکبر صابر ۱۲۵
- (پیشگام طنز اجتماعی)..... ۱۲۹
- گینه گلدی رمضان..... ۱۴۵

طنز در دیگر ژانرهای ادبی ۱۵۰

اعم از نمایشنامه نویسی، سفرنامه، روزنامه نگاری و..... ۱۵۰

تأثیر طنز ترکی بر طنز معاصر فارسی ۱۸۷

منابع ۱۹۵

طنز چیست؟

طنز، مفهومی مجرد و در عین حال اجتماعی است. پژوهشگرانی که به حیطه نظری طنز پرداخته‌اند، تا کنون تعریفی قطعی و کامل در مورد آن به دست نداده‌اند. ادباء و نویسندگان تعاریف مختلفی از طنز ارائه کرده‌اند که اگر این تعریف‌ها را مورد تحلیل قرار دهیم، ناهماهنگی و تناقض آشکاری در آن‌ها خواهیم دید؛ به عبارت دیگر، هنوز نظر متقن و واحدی در مورد چیستی طنز وجود ندارد.

ساده‌ترین تعریف و نمود طنز، کاربرد آن در نمایاندن سوژه‌های نامتعارفی است که متعارف به نظر می‌رسند و این خود مایه خنده می‌شود. هنر طنزپرداز، کشف و بیان هنرمندانه و استتیک عدم تناسب در این «متناسبات» است.

«طنز» واژه‌ای عربی است و عموماً به معنای تمسخر، طعنه زدن، عیب‌جویی، سخن به رمز گفتن و به استهزاء از کسی سخن گفتن به کار می‌رود. معادل انگلیسی «طنز»، «Satire» است که از کلمه «Satira» در زبان لاتین گرفته شده، آن نیز از ریشه «Satyros» است که واژه‌ای یونانی است. یونانیان طبق و دیس بزرگی را که پر از میوه‌های متنوع

بوده و به یکی از خدایان کشاورزی هدیه داده شده «ساتیرا» می‌گفتند. بعدها این کلمه به معنی «غذای کامل» یا «آمیخته‌ای از هر چیز» نیز مصطلح گردید.

هجو از اقسام طنز است اما فرق آن با هجو در این است که آن تنیدی و تیزی و صراحت هجو، در طنز وجود ندارد. وانگهی در طنز، معمولاً مقاصد اصلاح طلبانه و اجتماعی مطرح است که گاه کاستن از مقام و کیفیت کسی یا چیزی است، به نحوی که باعث خنده و سرگرمی شود و گاهی نیز در آن تحقیری باشد^۱.

تعریف اصطلاح

در علم ادبیات، «طنز» به نوع خاصی از آثار منظوم یا منثور ادبی گفته می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد.

در تعریف طنز آمده است: «اثری ادبی که با استفاده از بذله، وارونه‌سازی، خشم و نقیضه، ضعف‌ها و تعلیمات اجتماعی جوامع بشری را به نقد می‌کشد».

استعمال کلمه طنز برای انتقادی که به صورت خنده‌آور و مضحک بیان شود، در فارسی معاصر سابقه چندان طولانی‌ای ندارد. هرچند که طنز در تاریخ بیهقی و دیگر آثار قدیم زبان فارسی به کار رفته ولی استعمال وسیعی به مفهوم ساتیرای اروپایی‌ها نداشته است. در فارسی، عربی و ترکی کلمه واحدی که دقیقاً این معنی (ساتیرا) را در هر سه زبان به ذهن برساند، وجود ندارد. سابقاً در زبان فارسی، هجو به مفهوم

۱. طنز آذربایجان در قرن ۱۹، کامران مدداف، باکو

ساتیرا به کار می‌رفت که آن هم بیشتر جنبه انتقاد مستقیم و شخصی داشت و جنبه غیرمستقیم ساتیرا را بیان نمی‌کرد و اغلب آموزنده و اجتماعی هم نبود. در ادب فارسی بعضاً هزل را نیز در مفهوم ساتیرا به کار برده‌اند که آن هم در معنی ضد جد است و بیشتر جنبه مزاح دارد.^۱

ماهیت طنز

طنز، تفکربرانگیز است و ماهیتی پیچیده و چند لایه دارد. گرچه طبیعتش بر خنده استوار است اما در اصول طنز، خنده تنها نقش فاکتوری برای نیل به هدفی برتر و آگاه کردن انسان به عمق رذالت‌ها را به عهده دارد. طنز اگرچه در ظاهر می‌خنداند اما در پس این خنده، واقعیتی تلخ و وحشتناک وجود دارد که در عمق وجود، خنده را می‌خشکاند و انسان را به تفکر وامی‌دارد. به همین خاطر در باره طنز گفته‌اند: «طنز، یعنی گریه کردن قاه‌قاه، و خنده کردن آه‌آه».

طنز، در ذات خود انسان را برمی‌آشوبد، بر تردیدهایش می‌افزاید و با آشکار ساختن جهان همچون پدیده‌ای دوگانه، چنگانه یا متناقض، انسان‌ها را از یقین محروم می‌کند. «جان درآیدن» در مقاله «هنر طنز»، ظرافت طنز را به جدا کردن سر از بدن با حرکت تند و سریع شمشیر تشبیه می‌کند، طوری که دوباره در جای خود قرار گیرد.

شیوه‌های طنز

انواع آثار ادبی که طنزنویس می‌تواند به کار ببرد، به طرز چشم‌گیری متنوع است: رمان، نمایش‌نامه، شعر و... اما شیوه‌ها یا تکنیک‌هایی که در آن به کار می‌رود، محدود است:

۱. پیرامون طنز دکتر محمد حسین بهرامیان.

کوچک کردن (تحقیر)

بزرگ کردن (تمجید)

تقلید مضحک از یک اثر ادبی شناخته شده

ایجاد موقعیتی در داستان یا نمایش که به خودی خود، طنزآمیز

است

به کار بردن عین کلمات کسی که مورد طنز قرار می‌گیرد و ایجاد

چهارچوبی مضحک برای آن.

طنز و کمدی

بین دو واژه طنز و کمدی هم البته فرق است. در کمدی معمولاً خنده به خاطر خنده مطرح است اما در طنز خنده برای استهزاء به وجود می‌آید. بدین ترتیب در طنز، خنده وسیله است، نه هدف! در طنز، کسی که مورد انتقاد قرار می‌گیرد، ممکن است یک فرد خاص باشد یا یک تیپ یا یک طبقه یا ملت و حتی یک نژاد. گاهی نویسنده، قهرمان اثر را به سخره می‌گیرد، اما مراد او کسی یا کسانی بیرون از اثر ادبی هستند و بدین منظور حتی ممکن است از خود بدگویی کند.

گاهی کسانی که دعوی و قصد اصلاح مفاسد اجتماعی و تهذیب اخلاق انسانی را داشته‌اند، به شیوه طنزپردازی روی آورده‌اند. آثار «عبید زاکانی» نمونه‌ای بارز در این زمینه است. شاعران بزرگ ما نیز در آفرینش ادبی و خلق آثار خود، از طنز غافل نبوده‌اند. به عنوان نمونه، می‌توان از سعدی و حافظ نام برد.

انواع طنز

منتقدان اروپایی طنز را به دو نوع رسمی^۱ یا مستقیم^۲ و غیررسمی تقسیم کرده‌اند. در طنز مستقیم، سخنگو اوّل شخص است. این «من» ممکن است مستقیماً و یا به واسطه شخص دیگری که در اثر مطرح است و اصطلاحاً حریف^۳ نامیده می‌شود، با خواننده سخن بگوید. کار این «پامنبری خوان» شرح و بسط و توضیح و تفسیر طنزهای سخنگو است.

طنز مستقیم

در طنز مستقیم، دو نوع اثر در ادبیات غرب معروف است که عنوان آن‌ها از اسم طنزنویسان معروف رومی هوراس^۴ و جوونال^۵ اخذ شده است. در طنز هوراسی، سخنگو فردی مؤدب و زیرک است که با طنزهایش بیشتر باعث سرگرمی و تفریح می‌شود تا رنجش. زبان او نرم و ملایم است و گاهی خودش را به سخره می‌گیرد و هدف انتقاد قرار می‌دهد (مانند طنز حافظ). در طنز جوونالی، سخنگو، یک معلم جدی اخلاق است. سبک و زبانی موقّر دارد، مفسده‌ها و خطاها را که به نظر او کاملاً جدی‌اند، بدون گذشت مطرح می‌کند و باعث تحقیر و رنجش می‌شود.

در میان شاعران یونان و روم، شعرهای طنز آرخیلوخوس، هیپوناکس، آریستوفان، لوسیلیوس، هوراس و جوونال از قدیمی‌ترین نمونه‌هاست. در ادبیات قرون وسطای انگلیس از قصه‌های «کنتربری»

1. Formal.

2. Direct.

3. Adversarius.

4. Horace.

5. Juvenal.

اثر «جفری چاسری» و منظومه «رویای پیرس شخم‌کار» اثر «ویلیام لاگلند» می‌توان نام برد. در دوران رنسانس، رابله، سروانتس و لوییچی پولچی طنزپردازان مشهور هستند. آثار طنز، ابتدا به صورت شعر بود و بعدها شیوه‌های روایی را هم در بر گرفت. امروزه در ادبیات جهان، مشهورترین طنزنویسان، نثرنویسانی چون سروانتس، رابله، ولتر، جوناتان سوئیفت، هنری فیلدینگ، جوزف آدیسون، ویلیام تکر، مارک تواین، جرج اورول، جوزف هلر، سینکлер لویی، جان چیور و آلدوس هاکسلی هستند.^۱

طنز غیرمستقیم

طنز غیرمستقیم، طنزی است که در آن قهرمانان اثر، خود و عقاید خود را به سخره می‌گیرند؛ گاهی هم نویسنده با تفسیرهای خود و با سبکی روایی، جریانات را مضحک‌تر از آنچه هست، نشان می‌دهد. یکی از انواع این طنز، «منیپین ساتیرا»^۲ است که از نام فیلسوف یونانی «منیپپوس»^۳ اخذ شده است. از آنجا که «وارو»^۴ یونانی هم به این شیوه می‌نوشت، «نورتروپ فرای» در کتاب تشریح نقد ادبی، به این گونه طنز «وارونیان ساتیرا»^۵ گفته است. به هر حال در این شیوه، گروهی از شخصیت‌های وراج و پر حرف که فخر فروش و متفاضل‌اند و نمایندگان جریان‌های مختلف فکری و فلسفی محسوب می‌شوند، در طی مکالمات و بحث‌های گسترده خود (که معمولاً در یک مجلس صورت می‌گیرد) عقاید و آراء و نقطه‌نظرهای روشن‌فکرانه دیگران را

۱. محمدرضا اصلانی (همدان)، فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، انتشارات کاروان، ۱۳۸۵.

2. Menippen Satire.

3. Menippus.

4. Varro.

5. Varronian Satire.

به نفع خود به باد انتقاد و سخره می گیرند. «کاندید» اثر «فرانسوا ماری ولتر» از این قبیل است.

طنز موقعیت

علاوه بر آثاری که کلاً به قصد طنز و هزل نوشته شده اند، در هر اثر جدی هم ممکن است طنز و شوخی دیده شود. گاهی اوقات، حادثه آن قدر غیرمنتظره است که ممکن است بی اختیار باعث خنده شود؛ به این حالت طنز موقعیت^۱ می گویند. مثلاً در داستان «ارمغان موبد»^۲ اثر «او هنری»، وقتی قهرمان زن تنها دارایی خود، یعنی گیسوان بلندش را در شب کریسمس می فروشد تا با آن زنجیری برای ساعت شوهرش بخرد، متوجه می شود که شوهرش نیز تنها دارایی اش، یعنی ساعتش را فروخته است تا به او شانه جواهرنشانی هدیه کند. در اینجا خنده، فی الواقع خنده درد است.

شوخی و مطایبه عناصر و عواملی هستند که در ادبیات از آن ها برای ایجاد نشاط و خنده در خواننده استفاده می کنند. بذله گویی در قدیم، نشانه ذکاوت بود و در زبان انگلیسی نیز «Wit» هم به معنی زیرکی و هم به معنی بذله گویی به کار می رود. نظامی در «چهار مقاله» در باب شاعر می نویسد: «و شاعر باید که در مجلس محاورت خوش گوی بود و در مجلس معاشرت خوش روی.»

شوخی و مطایبه به قول «فرود» ممکن است فقط برای خنده و تفریح باشد^۳ و یا هدف خاصی را در نظر داشته باشد و در آن طعنه و

1. Irony Of Situation.

2. The Gift Of Magi.

3. Harmless Wit.

تعریضی باشد.^۱ فرنگیان، شوخی و مطایبه^۲ را فقط در زمینه‌های کلامی به کار می‌برند اما اگر در نمایش و فیلم، سر و وضع و رفتار و کردار کسی خنده‌دار باشد به آن «هومور»^۳ می‌گویند.

طنز در ادبیات فارسی

در ادبیات کلاسیک فارسی، طنز در میان آثار نویسندگان دوره‌های مختلف به اشکال گوناگون وجود داشت. در صدر این افراد، عبید زاکانی، پدر طنز در ادبیات فارسی است. عطار نیشابوری نیز در الهی‌نامه، رگه‌ها و جنبه‌هایی از طنز را به نمایش می‌گذارد. با ظهور مشروطیت و ایجاد فضای نسبتاً باز مطبوعاتی، طنز، بندهای تفریح‌های افراطی و سطحی را گسست و به عنوان نوع ادبی بسیار جدی، توجه بسیاری از نویسندگان و شعرای بزرگ را به خود جلب کرد. میرزا آقاخان کرمانی از آن جمله طنزپردازانی است که در راه هدفش جان باخت. علی اکبر دهخدا، سید اشرف‌الدین قزوینی (نسیم شمال)، میرزاده عشقی و زین‌العابدین مراغه‌ای از پیشگامان طنز در ادبیات فارسی در دوران انقلاب مشروطه بودند. در نسل‌های بعدی، محمدعلی جمال‌زاده، صادق هدایت، بهرام صادقی، منوچهر صفا و ایرج پزشک‌زاد نویسندگانی بودند که طنز را در برنامه کارشان جدی گرفتند. از طنزپردازان به‌نام معاصر ایران، می‌توان عمران صلاحی، منوچهر احترامی، کیومرث صابری فومنی (گل‌آقا) و ابوالقاسم حالت را نام برد. در ادبیات کلاسیک فارسی، طنز چه به صورت شعر و چه به صورت نثر، به شکل قطعات کوتاهی در دست است و فقط در سالیان اخیر و

1. Tendency Wit.

2. Wit.

3. Humour.

بعد از رواج رمان‌نویسی است که داستان‌های بلند مبتنی بر طنز پدید آمده است. آثار طنزنویس معروف ایرج پزشک‌زاد و برخی از آثار صادق هدایت از این رسته است. عبید زاکانی، بزرگ‌ترین و شاید تنها طنزنویس در ادبیات کلاسیک فارسی است که طنزهای به جا مانده از عبید در هر دو شکل نظم و نثر قابل مشاهده است. کتاب طنز «چرند و پرند» نیز یادگار طنزنویس بزرگ معاصر، شادروان علی اکبر دهخدا است. از آنجایی که طنز و هجو معمولاً به هم در آمیخته است، برخی از قطعات ایرج میرزا را هم می‌توان طنز به شمار آورد.

طنز در ادبیات ترکی آذربایجانی

طنز در ادبیات شفاهی و مکتوب آذربایجان، انواع مختلفی دارد؛ که از آن میان می‌توان به عبارات طنز، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها، کنایات، لطیفه‌ها، قصه‌های طنز، بایاتی‌های طنز، تمثیل، هجو، بحر طویل، میخانه، حربه - زوربا (رجزخوانی ادبی)، مضحکه، تازیانه، نقیضه‌نویسی، نثر فکاهه، منظومه‌ها و رمان‌های طنز و... اشاره کرد.

انواع ادبی فوق‌دفعاً ایجاد نشده‌اند بلکه به شکل تدریجی و همسویی با طرز زندگی توده‌های مردم تدریجاً ریشه‌دار شده و صاحب شاخ و برگ شده‌اند. لیکن بی‌آنکه ربطی به ادوار تاریخی پیدایش آن‌ها داشته باشند، خصوصیتی واحد در تمام آن‌ها به چشم می‌خورد که عنصر «خنده» است. خنده در اشکال ضعیف و قوی در تمام ژانرهای طنز با مضامین کُمیک و فکاهی وجود دارد.

بعضی از ادبای آذربایجان با تلاش برای تعیین منابع فکری - هنری طنز و ریشه‌های تاریخی آن، در عین حال که به حق به عواملی مانند سنت‌های شعر کلاسیک، ترقی و تداوم زندگی اجتماعی، فزونی

استثمار و رواج بدطینتی در جامعه و زندگی معاصر، ارتباط با فرهنگ و تمدن روسیه و غیره در پیدایش طنز اشاره می‌کنند، انواع مختلف طنز، ادبیات شفاهی و فولکلور که یکی از اساسی‌ترین سرچشمه‌های طنز است را فراموش می‌کنند یا آن چنان که شایسته است به آن بها نمی‌دهند.

ادبیات طنز آذربایجان در کلی‌ترین دسته‌بندی به دو دسته عمده قابل تقسیم است:

ادبیات شفاهی

ادبیات مکتوب

در هر دو ژانر، آثار قابل توجهی از طنز وجود دارد. به عبارت بهتر، طنز ترکی را می‌توان به دو گروه طنز مردمی و طنز ادبی تقسیم‌بندی کرد که در ادبیات ترکی، این دو به شدت به هم وابسته هستند و حتی به جرأت می‌توان گفت یکی از اصلی‌ترین عوامل پیدایش طنز فاخر و مکتوب آذربایجان، ادبیات شفاهی و فولکلور ترکی است.